

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# دانشنامه زبان و ادب فارسی

ذیل ۲

شورای علمی دانشنامه

عبدالحمّد آیتی (م)، نصرالله پورجوادی، حسن حبیبی (م)، غلامعلی حدّادعادل،  
محّمّد خوانساری (م)، بهمن سرکاراتی (م)، اسماعیل سعادت (م)، علی اشرف صادقی،  
احمد سمیعی گیلانی (م)، کامران فانی، محمّدعلی موحد، ابوالحسن نجفی (م).

# دانشنامه زبان و ادب فارسی

ذیل دوم

آذر یزدی، مهدی - یونسی، ابراهیم

به سرپرستی

مسعود جعفری جزی

تهران ۱۴۰۴

## دانشنامه زبان و ادب فارسی

جلد هشتم (ذیل ۲)

چاپ اول: ۱۴۰۴

تعداد: ۵۰۰ نسخه

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: فرهنگستان زبان و ادب فارسی

چاپ و صحافی: هدف

مدیر فنی چاپ: حمیدرضا دمیرچی

همه حقوق برای فرهنگستان زبان و ادب فارسی محفوظ است

ناشر: فرهنگستان زبان و ادب فارسی

تهران، بزرگراه شهید حقانی، مجموعه فرهنگستان‌ها، بلوار دکتر حسن حبیبی، تلفن: ۸۸۶۴۲۳۳۹-۶۸

کدپستی: ۱۵۳۸۶۳۳۱۱۰؛ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۶۳۹۴

قیمت: ۱۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال

|                     |                                                                                                                                                                                                                                                                       |
|---------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | سعادت، اسماعیل، ۱۳۰۴-۱۳۹۹.                                                                                                                                                                                                                                            |
| عنوان و نام پدیدآور | دانشنامه زبان و ادب فارسی / به سرپرستی اسماعیل سعادت.                                                                                                                                                                                                                 |
| مشخصات نشر          | تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴.                                                                                                                                                                                                                              |
| مشخصات ظاهری        | ج: ۲۲×۲۸ س م.                                                                                                                                                                                                                                                         |
| فروست               | فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ۱.                                                                                                                                                                                                                                        |
| شابک                | دوره: 5-26-964؛ ج: ۱؛ 0-40-964-7531؛ ج: ۲؛ 1-62-964-7531؛ ج: ۳؛ 0-90-964-7531؛ ج: ۴؛ 7-21-964-600-7531؛ ج: ۵؛ 0-90-964-7531؛ ج: ۶؛ 5-83-964-600-7531؛ ج: ۷؛ 6-23-964-600-7531؛ ج: ۸؛ 4-72-964-622-5305.                                                               |
| وضعیت فهرست‌نویسی   | فابا                                                                                                                                                                                                                                                                  |
| یادداشت             | جلد هشتم به سرپرستی مسعود جعفری جزی.                                                                                                                                                                                                                                  |
| یادداشت             | ص.ع. به انگلیسی: Esmā'il Sa'adat. Encyclopaedia of Persian language and literature                                                                                                                                                                                    |
| یادداشت             | ج: ۲ (چاپ اول: ۱۳۸۶).                                                                                                                                                                                                                                                 |
| یادداشت             | ج: ۳ (چاپ اول: ۱۳۸۸).                                                                                                                                                                                                                                                 |
| یادداشت             | ج: ۴ (چاپ اول: ۱۳۹۱).                                                                                                                                                                                                                                                 |
| یادداشت             | ج: ۵ (چاپ اول: ۱۳۹۳) (فیبا).                                                                                                                                                                                                                                          |
| یادداشت             | ج: ۶ (چاپ اول: ۱۳۹۵) (فیبا).                                                                                                                                                                                                                                          |
| یادداشت             | ج: ۷ (چاپ اول: ۱۳۹۷) (فیبا).                                                                                                                                                                                                                                          |
| یادداشت             | ج: ۸ (چاپ اول: ۱۴۰۴) (فیبا).                                                                                                                                                                                                                                          |
| مندرجات             | ج: ۱. آب - برزویه - ج: ۲. برنقد خجندی - حیرتی تونی - ج: ۳. خارزنجی - سنایی غزنوی - ج: ۴. سندبادنامه - فردوسی - ج: ۵. فردوسی ثانی - مسرور طالقانی - ج: ۶. مسعود، محمد - یونس - ج: ۷. ذیل: اتشی، منوچهر - یونکر، هایتریش - ج: ۸. ذیل ۲: آذریزدی، مهدی - یونسی، ابراهیم. |
| موضوع               | ادبیات فارسی - دایرةالمعارفها.                                                                                                                                                                                                                                        |
| موضوع               | دایرةالمعارفها و واژه‌نامه‌ها.                                                                                                                                                                                                                                        |
| شناسه افزوده        | فرهنگستان زبان و ادب فارسی.                                                                                                                                                                                                                                           |
| رده‌بندی کنگره      | ۱۳۸۴ ۷ د ۲ / ۳۳۲۱ PIR                                                                                                                                                                                                                                                 |
| رده‌بندی دیویی      | ۸۰۳ فا ۸                                                                                                                                                                                                                                                              |
| شماره کتابشناسی ملی | ۸۴-۱۶۶۸۱ م                                                                                                                                                                                                                                                            |

شابک ۴-۷۲-۵۳۰۵-۶۲۲-۹۷۸ (ج ۸. ذیل ۲) (vol.8 Supplement II) ISBN 978-622-5305-72-4

شابک ۵-۲۶-۷۵۳۱-۹۶۴ (دوره) ISBN 964-7531-26-5 (set)

بلخی، محمد، مثنوی معنوی، به کوشش محمدعلی موحد، تهران، ۱۳۹۶ش؛ حافظ، شمس‌الدین محمد، دیوان، به کوشش پرویز نائل خانلری، تهران، ۱۳۶۲ش؛ حمیری، نشوان بن سعید، الحور العین، به کوشش کمال مصطفی، بغداد، ۱۹۷۲م؛ خبّاط معتزلی، ابوالحسن، الانتصار والرد، به کوشش نسیرج، بیروت، ۱۹۵۷م؛ الخیون، رشید، معتزلة البصرة و بغداد، لندن، ۱۹۹۷م؛ الذوری، عبدالعزیز، مقدمة فی تاریخ صدرالاسلام، بیروت، ۱۹۸۴م؛ ذهبی، شمس‌الدین محمد، سیر أعلام النبلاء، به کوشش شعيب الأرناؤوط و حسین الأسد، بیروت، ۱۴۱۳ق / ۱۹۹۳م؛ رحمتی، محمدکاظم، «نگاهی به مکتب متأخر معتزله»، هفت آسمان، س ۳، ش ۹-۱۰، قم، شهریور ۱۳۸۰ش؛ زهدی، حسن جبارلته، معتزلة، بیروت، ۱۹۷۴م؛ سامی‌النشار، علی، نشأة الفكر الفلسفي فی الإسلام، بیروت، بی تا؛ سبحانی، جعفر، بحوث فی الملل و النحل (دراسة موضوعية مقارنة للمذاهب الإسلامية، قم، ۱۴۱۶ق؛ سعیدی، مصلح‌الدین، کلیات، به کوشش محمدعلی فروغی، تهران، ۱۳۸۵ش؛ سلیمان سلیم، علم‌الدین، المعتزلة، بیروت، بی تا؛ سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم، حدیقة الحقیقه و شریعة الطریق، به کوشش محمدتقی مدرّس رضوی، تهران، ۱۳۶۲ش؛ هو، دیوان، به کوشش محمدتقی مدرّس رضوی، تهران، بی تا؛ سیوطی، جلال‌الدین، تاریخ الخلفاء، به کوشش حمدي الدرداش، بیروت، ۱۴۲۵ق / ۲۰۰۴م؛ شبستری، شیخ محمود، گلشن راز، به کوشش صمد موحد، تهران، ۱۳۶۸ش؛ شرفی، احمد بن محمد بن صلاح، شرح الأساس الكبير، به کوشش عارف احمد عطاءالله، صنعاء، ۱۴۱۱ق؛ شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم، الملل والنحل، به کوشش محمد بدران، قاهره، بی تا؛ شیخ بو عمران، مسئله اختیار در تفکر اسلامی و پاسخ معتزله به آن، ترجمه اسماعیل سعادت، تهران، ۱۳۸۴ش؛ شیخ مفید، محمد بن نعمان، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، به کوشش ابراهیم انصاری، قم، ۱۴۱۳ق؛ صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، تهران، ۱۳۸۳ش؛ صائب تبریزی، دیوان، به کوشش محمد قهرمان، تهران، ۱۳۶۵ش؛ طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الرسل والملوک، به کوشش حسین عاصی، بیروت، ۱۴۱۳ق / ۱۹۹۲م؛ عبدالحمید، عرفان، دراسات فی الفرق و العقاید، بغداد، ۱۹۷۷م؛ علامه حلّی، کشف‌المراد، قم، ۱۴۱۷ق؛ علی، عدنان عبید، شعراء معتزله (دراسة فکریة و فنیة)، اردن، ۲۰۰۳م؛ فاخوری، حنا و خلیل الجر، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، ۱۳۵۵ش؛ فخرالدین اسعد گرگانی، ویس و رامین، به کوشش ماگالی تودوا و الکساندر گواخاریا، تهران، ۱۳۴۹ش؛ فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، تهران، ۱۳۸۶ش؛ قاضی عبدالجبار همدانی، ابوالحسن بن احمد، المحيط بالتکلیف، جمع‌آوری الحسن بن احمد بن متویه، به کوشش عمر السید عزمی و احمد فؤاد الاخوانی، قاهره، ۱۹۶۵م؛ هو، المغنی فی ابواب التوحید والعدل، به کوشش عبدالحلیم محمود و دیگران، قاهره، ۱۹۶۵م؛ هو، شرح الأصول الخمسة، به کوشش سمیر مصطفی ریاب، بیروت، ۱۴۲۲ق؛ قوامی رازی، دیوان، به کوشش محدث ارموی، تهران، ۱۳۳۴ش؛ گلی، جواد و حسن یوسفیان، «جریان‌شناسی نو معتزله»، فصلنامه معرفت کلامی، س ۱، ش ۳، قم،

پاییز ۱۳۸۹ش؛ محقق حلّی، جعفر بن حسن، المسالك فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، مشهد، ۱۳۷۳ش؛ مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، به کوشش یوسف اسعد داغر، بیروت، ۱۹۶۵م؛ مطهری، مرتضی، عدل الهی، تهران، ۱۳۵۷ش؛ مقدسی، مطهر بن طاهر، الباء و التّاریخ، قاهره، ۱۴۲۴ق؛ مکدموت، مارتین، اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ترجمه احمد آرام، تهران، ۱۳۷۲ش؛ ملاحمی خوارزمی، محمود بن محمد، تحفة المتکلمین فی الرد علی الفلاسفة، تهران، ۱۳۸۷ش؛ هو، المعتمد فی اصول الدین، به کوشش ویلفرد مادلونگ، تهران، ۱۳۹۰ش؛ ملطی، محمد بن احمد، التنبیه و الرد فی أهل الأهواء و البدع، به کوشش دیدرینگ، بیروت، ۱۴۳۰ق / ۲۰۰۹م؛ مهدي دامغانی، محمود، «مقدمه مترجم»، نک: اسکافی؛ ناشی اکبر، مسائل الإمامة، به کوشش فان اس، بیروت، ۱۹۷۱م؛ ناصر خسرو، ابومعین، دیوان، به کوشش مجتبی مسبنوی و مهدی محقق، تهران، ۱۳۵۷ش؛ نزاد سلیم، رحیم، حدود آزادی انسان از دیدگاه مولوی (جبر و اختیار)، تهران، ۱۳۶۴ش؛ نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف، مخزن الأسرار، به کوشش تقی پورنامداریان و مصطفی موسوی، تهران، ۱۴۰۱ش؛ نوبختی، حسن بن موسی، فِرَق الشّیعه، ترجمه و تعلیقات محمدجواد مشکور، تهران، ۱۳۵۳ش؛ ولفسن، هری اوسترن، فلسفه علم کلام، ترجمه احمد آرام، تهران، ۱۳۶۸ش؛

اکبر اقوام کرباسی

## مقامات و احوال. دو اصطلاح عرفانی برای بیان

مراتب و مراحل سیر و سلوک صوفیان. در تصوّف اسلامی. منازل و مراحل طریقت و تعداد و ترتیب آنها از مهم ترین مباحث عرفان عملی است، زیرا در نظر بسیاری از مشایخ طریقت، سالکی که در این راه قدم می‌نهد، باید منازل مختلف سلوک را بشناسد. صوفیه در سخن گفتن از تجارب نفسانی که در سیر و سلوک به دست می‌آید، منازل پایدار را، اصطلاحاً، «مقام» و منازل گذران را «حال» نامیده‌اند (نک: تهنوی، ج ۱، ص ۶۱۲).

در سده دوم ق، هنوز عنوانی برای بیان مراتب و درجات سلوک پدید نیامده بود و تفکیکی بین مقامات و احوال وجود نداشت. این اصطلاحات نخست در ادبیات دینی به کار رفت و از آنجا به ادبیات عرفانی راه یافت؛ چنان‌که علی (ع) ایمان را شامل چهار بنیاد دانسته و برای هر یک ده مقام و مرتبه ذکر کرده است (ابونصر سراج، ص ۱۸۰). در «مناجات خمس عشره»، منسوب به علی بن حسین (ع)، نیز به مقامات و احوال اشاره شده و هر مناجات مخصوص مقام و جایگاهی است که امام، در تبیین آنها، از آیات قرآن - گاه به طور مستقیم و گاه با اشاره به مفهومی

هر مقامی حقوقی دارد که تنها با استیفای کامل آن، سالک در آن مقام راسخ می‌گردد (ابن عربی، ج ۲، ص ۳۸۵-۳۸۶؛ نیز نک: جرجانی، ص ۲۷۲). او مقامات را شامل حقایق مختلف و نه حقیقتی واحد می‌داند و می‌گوید که برخی مقامات مانند ورع و تقوا بسته به یک شرطاند و با زوال آن شرط از میان می‌روند؛ بعضی دیگر همچون توبه تا هنگام مرگ ثابت نمی‌مانند و زائل می‌شوند. مقاماتی مانند «انس» و «بسط» نیز با بنده وارد بهشت می‌شوند (ابن عربی، همان‌جا). در تعریف عزالدین محمود کاشانی (متوفی ۷۳۵ق)، مقام مرتبه‌ای است از مراتب سلوک که محلّ استقامت سالک می‌شود و زوال نمی‌پذیرد (عزالدین محمود کاشانی، ص ۱۲۵؛ نیز نک: آملی، ج ۲، ص ۶). کاشانی در طبقه‌بندی مقامات از ده مرحله «توبت»، «ورع»، «زهد»، «فقر»، «صبر»، «شکر»، «خوف»، «رجا»، «توکل» و «رضا» سخن گفته است (نک: عزالدین محمود کاشانی، ص ۳۶۶-۴۰۳).

از جمله شرایط سلوک آن است که سالک از مقامی به مقامی دیگر ترقی کند؛ همچنان‌که مسافر برای رسیدن به مقصد باید از منزلی به منزل دیگر رود و تا منزل پیشین طی نشده باشد نمی‌تواند به سوی منزل پسین گام بردارد. در حقیقت، در مقامات نیز سیر ترتیبی متصور است، یعنی رفتن به مقام بالاتر مشروط به استیفای احکام مقام قبلی است؛ برای مثال، کسی که قناعت نداشته باشد، نمی‌تواند به مقام توکل برسد و هرکه به توکل نرسد، مقام تسلیم نخواهد یافت و هرکس توبه نکند، انابه و هرکه ورع ندارد، زهد نخواهد داشت (نک: ابوالقاسم قشیری، الرسالة القشیریّه، ص ۵۶؛ نیز نک: هجویری، ص ۲۷۴؛ عزالدین محمود کاشانی، ص ۱۲۷-۱۲۸؛ نخشی، ص ۷). البته صوفیه در این زمینه اختلاف نظر داشته‌اند؛ برای نمونه، بنا به گفته جنید بغدادی\* (متوفی ۲۹۷ق)، ممکن است سالک پیش از تکمیل مقام پیشین به مقام پسین ترقی کند (به نقل از عزالدین محمود کاشانی، ص ۱۲۷)؛ یا از دیدگاه شیخ شهاب‌الدین سهروردی\* (متوفی ۵۸۷ق)، هرچند برای هیچ سالکی ترقی به مقامی بالاتر پیش از تصحیح مقامی که در آن قرار دارد میسر نیست، اما قبل از ترقی به مقام اعلیٰ، حالی بر او نازل می‌شود که به واسطه آن، مقام او مستقیم می‌گردد (به نقل از همو، ص ۱۲۷-۱۲۸). به این ترتیب، ترقی سالک از مقامی به مقامی دیگر به تصرف حق و موهبت الهی است، نه به کسب خود سالک (همان، ص ۱۲۸). به علاوه، اقامت در هر مقام در صورتی صحیح است که در آنجا اقامت و حضور خداوند مشاهده شود (همان‌جا).

سالک برای طی کردن مقامات سلوک به راهنمایی پیروی راه‌دان و نظارت او نیازمند است؛ چنان‌که ابوسعید ابوالخیر\* (متوفی ۴۴۰ق) بر آن بود که اگر کسی به مقامات اعلیٰ برسد و بر

قرآنی - بهره می‌برد (نک: مشهدی نوش آبادی، ص ۲۱۵، ۲۲۳، ۲۲۵). پل نوبا، با اتکا به دیدگاه‌های تفسیری امام ششم شیعیان که در حقائق التفسیر سلمی نقل شده است، نتیجه می‌گیرد که مقامات عرفانی و بعضی دیگر از مفاهیم عرفانی نخست بار از جانب جعفر صادق (ع) مطرح شده است (نوبا، «تفسیر عرفانی منسوب به امام جعفر صادق (ع)»، ج ۱، ص ۷-۵). دو اصطلاح «مقام» و «حال»، به تدریج، در آثار صوفیان سده سوم به بعد رواج یافت. صوفیه درباره تعریف، ترتیب و تعداد مقامات و احوال اتفاق رأی ندارند و فاصله میان دیدگاه‌های گوناگون تا بدان جاست که برخی از صوفیان سلوک را در سه مرحله خلاصه کرده و بعضی دیگر آن را شامل دهها هزار مرحله دانسته‌اند. مهم‌ترین و اساسی‌ترین تحول در بحث مقامات و احوال به دست ابونصر سراج\* (متوفی ۳۷۸ق) در سده چهارم ق و خواجه عبدالله انصاری\* (متوفی ۴۸۱ق) در سده پنجم ق صورت گرفته؛ از این‌رو، قرنهای چهارم و پنجم دوران مهمی در تکوین و تکمیل این دو اصطلاح به شمار می‌رود.

**مقامات.** واژه‌ای عربی و جمع «مقام» است. مقام از نظر نوع کلمه مصدر میمی و در لغت به معنی جای ایستادن، موضع دو قدم و اقامت (ابن منظور، ذیل «مقام») به کار رفته است، اما در اصطلاح اهل حقیقت، عبارت است از جایگاهی که در سیر و سلوک با طلب، جستجو و تحمل رنجها و مشقات به دست می‌آید (جرجانی، ص ۲۳۸). واژه «مقام» در قرآن کریم\* (صافات: ۱۶۴) به کار رفته است و بیشتر عرفا در شرح اصطلاح مقام به آن استناد کرده‌اند. در ادب صوفیه گاه تعبیری چون منزل، وادی، میدان، دریا و قصر برابر «مقام» به کار رفته است. تعریف مقام در سخن عرفا یکسان نیست. ابونصر سراج مقام را «توقف بنده در پیشگاه خدا در انجام عبادتها و مجاهدات و ریاضات و بریدن از خلق و پیوستن به خدا» دانسته و برای آن هفت مرتبه بر شمرده که عبارت است از: «توبه»، «ورع»، «زهد»، «فقر»، «صبر»، «رضا» و «توکل» (ابونصر سراج، ص ۶۵). هجویری (متوفی ۴۶۵ق) مقام را «اقامت طالب بر ادای حقوق مطلوب به شدت اجتهاد و صحت نیت وی» می‌داند (هجویری، ص ۵۴۴). به نظر باخرزی (متوفی ۷۳۶ق)، مقامات همان مقامهای بنده در عبادات است، زیرا میزان قرب بنده به حق به مقدار عبادات ظاهری و باطنی اوست (باخرزی، ص ۵۱). او، در این تلقی، از مفاهیمی همچون «انتباه»، «توبه»، «انابت»، «ورع»، «محاسبه نفس» و جز آن به عنوان مقام یاد می‌کند (همان‌جا). از دیدگاه ابن عربی (متوفی ۶۳۸ق)، مقام عبارت است از استیفای حقوق مرسوم شرعی به طور کامل، بدین معنی که کسب مقام جز به واسطه استیفای تکالیف شرعی مربوط به آن کامل نمی‌شود و

می آید و در آمدو شد است تا آنگاه که کمند جذبه الهی او را از مقام ادنی به اعلیٰ برکشد (عزالدین محمود کاشانی، ص ۱۲۵؛ آملی، ج ۲، ص ۶).

از آنجا که حال موهبتی الهی است، به صورتها و رنگهای گوناگون درمی آید؛ از این رو، نمی توان برای آن اقسام مشخصی تصوّر کرد. با وجود این، گروهی از صوفیان کوشیده اند احوال را دسته بندی کنند؛ برای مثال، قطب الدین عبادی (ص ۱۳۹-۱۷۹) احوال را در دو دسته «احوال ظاهر» (شامل هفت مرتبه «شوق»، «مراقبه»، «حیا»، «وفا»، «سماع»، «وجد» و «حرکت»، و «صحبت» و «احوال باطن» (شامل هفت مرتبه «تفکر»، «بصیرت»، «معرفت»، «محبت»، «جمعیت»، «مشاهدت» و «تمکین») جای داده است. او اصل و خاستگاه حال را صفای دل می داند که سرعت آن ادراک ناشدنی است و بعد از زوال، آثاری چون غیبت، غلیبان، صعقات و حرکات در مرید باقی می گذارد (همان، ص ۲۰۰). از جهتی دیگر، چون احوال از مواهب غیبی است، وصف آنها در زبان و بیان نمی گنجد (نخشی، ص ۸). از دیدگاه شیخ شهاب الدین سهروردی (ص ۵۰۳-۵۲۳)، محبت اساس احوال است که از آن «شوق»، «انس»، «قرب»، «حیا»، «اتصال»، «قبض» و «بسط»، «فنا» و «بقا» پدید می آید. تأثیر آراء سهروردی بر صوفیان بعدی نظیر عزالدین محمود کاشانی\*، ابوالمفاخر یحیی باخرزی\* و شمس الدین محمد آملی (متوفی ۷۵۳ق) مشهود است.

به نظر بعضی از صوفیه، سیر سالک در احوال ادامه می یابد و بر سالک است که در پی تعالی احوال خود باشد؛ چنان که بایزید بسطامی\* (متوفی ۲۶۱ یا ۲۳۴ق) می گوید که اگر خداوند به فردی روحانیت عیسی\*، تکلم موسی\* و خلّت ابراهیم\* هم ارزانی دارد، نباید به آن قانع شود، بلکه باید بالاتر از این حالها را بطلبد (به نقل از سهروردی، شهاب الدین عمر، همان، ص ۴۷۳). همچنین به گفته ابوسعید ابوالخیر، حال باید مقرون به علم و مجاهده باشد، زیرا هر حالتی که خالی از علم و مجاهدت باشد زیانش بیش از سود است (جمال الدین ابوروح، ص ۱۱۸).

دوام یا زوال احوال. درباره دوام یا زوال حال بین صوفیان اختلاف است. برخی عارفان به دوام آن قائل شده اند؛ از جمله حارث محاسبی\* (متوفی ۲۴۳ق) که معتقد است اگر احوالی مانند «محبت»، «شوق»، «قبض» و «بسط» دوام نیابد، نه محبت محبت می ماند و نه مشتاق مشتاق. به نظر او، تا زمانی که یکی از احوال در بنده به صفت تبدیل نشود نام آن بر بنده واقع نمی شود. به همین جهت، او «رضا» را از احوال دانسته است، اما بعضی همچون ابوعثمان حیری (متوفی ۲۹۸ق) به دوام «رضا» اشاره کرده اند (نک: ابوالقاسم قشیری، همان، ص ۵۸). به نظر

اسرار ضمائر مطلع شود، اما استادی نداشته باشد، از او هیچ نیاید (جمال الدین ابوروح، ص ۱۱۸؛ نیز نک: پیر\*).

**احوال.** جمع «حال» و در لغت به معنی کیفیت و چگونگی است (ابن منظور، ذیل «حال»). اما در اصطلاح صوفیه، واردی است بر قلب از جنس طرب، حزن، قبض، بسط و... که بدون تصنّع و تکلف و اکتساب به دست آید و با ظهور صفات نفس از میان برود، زیرا اگر دوام داشته باشد بدل به «مقام» می شود (جرجانی، ص ۹۵)؛ چنان که سراج احوال را به آنچه در دل درمی آید یا دل در آنها درمی آید همچون صفای یاد خدا تعریف کرده و، به نقل از جنید، حال را امری معرفتی کرده است که وارد دل می شود، اما نمی یابد (ابونصر سراج، ص ۶۶). ابوالقاسم قشیری (همان، ص ۵۷)، هجویری (ص ۲۷۵)، نخشی (ص ۷)، ابن عربی (ج ۲، ص ۳۸۴-۳۸۵) و بسیاری از دیگر نویسندگان برجسته متون عرفانی قدیم نیز تعریفی مشابه از «حال» عرضه کرده اند. در تعریف قطب الدین عبادی (متوفی ۵۴۷ق)، حال معنی ای از واردات غیبی است که در وقتی پاکیزه در خلوت نفسانی وارد دل می شود و آثار آن در سلوک و حرکت ظاهر می شود (عبادی، ص ۱۹۹-۲۰۰). بعضی دیگر آن را کیفیت فیضی دانسته اند که از مبدأ عالی، بدون سعی و کوشش، بر دل سالک فرو می آید و با ظهور صفات نفس زایل می گردد (لاهیجی، ص ۲۳) یا از انوار غیب به دل او می رسد و وقت را مصفا می گرداند (روزبهان بقلی شیرازی، شرح شطحیات، ص ۵۴۶-۵۴۷). بنابراین، احوال مواهبی است که از سوی پروردگار، بدون سابقه ای از اعمال صالح و به سبب تزکیه نفس و تصفیه قلب، بر بنده فایض می شود و چون بنده را از حال خود می گرداند آن را «حال» نامیده اند (سهروردی، شهاب الدین عمر، ص ۴۶۹). به نظر عبدالرزاق کاشانی (ص ۲۶، ذیل «احوال»)، سالک بعد از تجربه این احوال از رسوم خلقی، عادات طبیعی، اغراض نفسانی و حالات شیطانی روی می گرداند و مستحوّل می شود. برخی از صوفیان بر آن بودند که احوال نتایج و موارث اعمال است و فقط کسی که اعمالش صحیح باشد آن را تجربه می کند (کلاباذی، ص ۵۹). همچنین گفته اند معامله دل مرید با خدای متعال است که بر اثر صفای اذکار وارد دل سالک می شود و در او حال می گردد (سهروردی، ضیاء الدین ابونجیب، ص ۷۶؛ باخرزی، ص ۵۳). به عقیده ابن عربی، شرط حال آن است که زایل شود و میلی به دنبال خود نیاورد، چه اگر آن وارد قلبی میلی در پی داشت باید قائل به دوامش شد. به علاوه، حال آمدنی است نه آوردنی و در نتیجه آن، صفات صاحب حال دگرگون می شود (ابن عربی، همان جا). پس مراد صوفیان از حال واردی است غیبی که از عالم علوی گاه گاه به دل سالک فرو

روحانی صوفیان سبب بروز اقوال متفاوت و گاه به ظاهر متعارض در این عرصه شده است. در واقع، هریک از بزرگان تصوّف مفاهیم این حوزه را به طرز ویژه خویش دیده و فهمیده و بر اساس همان نگاه و فهم به تبیین و طبقه‌بندی مسائل و بحث درباره آنها پرداخته است.

در چند جا از تفسیر منسوب به امام صادق (ع) فهرستی از حالات عرفانی به دست داده شده است که باید آن را نخستین طرح فهرستهای مقامات و احوال دانست که پس از قرن سوم ق رسمیت یافت (نک: نويا، «تفسیر عرفانی منسوب به امام جعفر صادق (ع)»، ص ۷). شقیق بلخی\* (متوفی ۱۹۴ق)، با بیانی روشن، از پیوستگی مراحل مختلف سلوک عرفانی سخن گفته است و شاید از نخستین صوفیانی باشد که در مرحله برشمردن احوال و مقامات متوقف نمانده و به توالی و تسلسل پویای آنها توجه کرده است (نويا، تفسیر قرآنی و زبان عرفانی، ص ۱۹۵). او در رساله آداب العبادات، مسیر و مدارج سیر معنوی اهل صدق به سوی خدا را چهار منزل زهد، خوف، شوق و محبت دانسته است (شقیق بلخی، ص ۱۰۸). بعداً ذوالنون مصری (متوفی ۲۴۵ق) این طرح اولیه را با نظم و ترتیب خاصی شرح و تبیین کرد (نويا، همان‌جا). حارث محاسبی، در بیان مراحل رسیدن به خداوند، بدون ذکر نام مقامات و احوال، سی و چهار صفت را (با شروع از توبه و انابه و ختم به خوف) شرح داده است (حارث محاسبی، ص ۲۲۲-۳۲۸).

احتمالاً ابوسعید خراسانی (متوفی ۲۴۸ق) و ابوالحسن نوری (متوفی ۲۶۵ق) در شمار اولین صوفیانی هستند که مراتب مشخصی را برای سلوک طبقه‌بندی کرده‌اند. خراسانی مراحل را در هفت مقام (صالحین، مریدین، مطیعین، محبتین، مشتاقین، اولیاء و مقربین) دسته‌بندی کرده است (ابونعیم اصفهانی، ج ۱، ص ۲۴۸). نوری نیز مراتب سلوک را سه مرحله (دریا) خوانده است. به نظر او، عارف تا از سه دریای «ربوبیت»، «مهمیت» و «لاهویت» نگذرد، به پروردگارش راه نخواهد برد (نک: نويا، همان، ص ۲۸۹-۲۹۰). از نظر کلاباذی، هر مقامی را آغاز و پایانی است و میان آنها احوال متفاوت وجود دارد (کلاباذی، ص ۶۰). ابوطالب مکی (متوفی ۳۸۶ق) نیز در قوت القلوب حال و مقام را از یکدیگر تفکیک نکرده و به تعریف این دو مفهوم نپرداخته است (ج ۲، ص ۵۷). سلمی (متوفی ۴۱۲ق) در رساله درجات المعاملات، واژه «درجات» را مترادف منازل و مقامات در نظر گرفته و از سی و پنج درجه سخن گفته است که از تسویه تا جمع و تفرقه را در برمی‌گیرد (مجموعه آثار ابوعبد الرحمن سلمی، ج ۱، ص ۴۷۷-۴۹۵).

محمدبن علی حکیم ترمذی (متوفی ۲۸۵ق) مراحل سلوک

قشیری، «رضا» از جمله احوال است. البته از دیدگاه او، هر که قائل به بقای احوال باشد سخنش صحیح است، ولی برای صاحب هر حال، احوال عبارت است از راههایی که ممکن است آن حالها دوام پیدا کنند. بنابراین، احوال پیشین به احوال کامل‌تر تبدیل می‌شوند و دائم در معرض ترقی‌اند (همان‌جا). هجویری «رضا» را نهایت مقامات و بدایت احوال دانسته است (هجویری، ص ۲۷۶). در مجموع، از نظر صوفیانی که به دوام و بقای احوال باور دارند، حال زمانی، حقیقتاً، حال است که دائم باشد و اگر ثبات نداشته باشد، لوایح و طوابع و بواحد و بواحد خوانده می‌شود و سالک را به احوال نمی‌رساند، بلکه، صرفاً، مقدمه احوال است (ابوالقاسم قشیری، همان، ص ۵۷؛ سهروردی، شهاب‌الدین عمر، ص ۴۷۱). این گروه از صوفیان احوال را مقدمات مقامی خاص می‌دانند و بر این باورند که آنچه در آغاز صورت حال دارد، مانند محاسبه و مراقبه، سرانجام به مقامی خاص بدل می‌شود و سالک عاقبت به عین‌الیقین و حق‌الیقین می‌رسد که بالاترین حدّ مشاهده است (همان، ص ۴۶۹-۴۷۱). برخی دیگر از صوفیه برای حال دوام و بقایی متصور نیستند؛ چنان‌که جنید گفته است احوال برقهایی هستند که نمی‌پایند و اگر چیزی باقی بماند، حدیث نفس و هوا و هوس طبع است (نک: به نقل از هجویری، ص ۲۷۵؛ سهروردی، شهاب‌الدین عمر، همان‌جا). سعدی نیز، با توجه به همین نکته، احوال را برقهایی گذرا می‌داند که گاه پیدا و گاه پنهان‌اند (سعدی، ص ۹۰). از منظر این افراد، حال مانند غرض است که جز در زمان وجودش بقایی ندارد، هرچند ممکن است به نحو تعاقب و تجدد امثال، بدان‌گونه حادث و تصور شود که گویی همان حال لحظات پیش است. ابن عربی این دیدگاه را این‌گونه تصحیح و تکمیل می‌کند که باید به توالی حال قائل بود، بی‌آنکه تسلسل امثال بتواند آن حال را از حقیقت خود خارج کند. از دیدگاه او، حال نعمتی الهی از حیث افعال و توجهات اوست و مستند این ادعا آیه «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ» (الرحمن: ۲۹) است. در دو زمان باقی نمی‌ماند، ولی با خلق امثال شبیه و دوام پیدا می‌کند. احوال اعراضی است که از جانب خدا عارض موجودات می‌شود و هم اوست که احوال را در انسان خلق می‌کند. بر این اساس، اگر صاحب حال آن را، صرفاً، موقتی، بدون دوام، بی‌توالی و مبتنی بر تجدد امثال ببیند، حقیقت حال خویش را درک نکرده است؛ به علاوه، چون حال موهوبی و غیر اکتسابی است، چه بسا حالی که مطلوب و مورد انتظار سالک است، پرداخته خود او و منتج از خیالش باشد و به همین دلیل اعتبار آن مورد تردید است.

طبقه‌بندی و تعداد مقامات و احوال. وابستگی تعریف و تحدید این دو اصطلاح به فهم و شیوه سلوک و تجارب

نام‌گذاری و دسته‌بندی عقبات و مراحل سلوک به شیوه‌ای که عطار نیشابوری\* در منطق‌الطیر\* آورده، بی‌سابقه بوده است. او سلوک را شامل هفت وادی طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت، فقر و فنا دانسته که هم عدد هفت و هم نام و ترتیب وادیه‌ها در این اثر درخور توجه است. از منظر عطار، منازل سلوک با درد طلب آغاز می‌شود و سرانجام به فنا فی الله خاتمه می‌یابد. نجم‌الدین کبری (متوفی ۶۱۸ق) در رساله‌الأصول العشره (ص ۳۸-۳۹، ۴۰-۸۱) ده مقام سلوک را عبارت از توبه، زهد، توکل، قناعت، عزلت، مداومت ذکر، توجه به خدا، صبر، مراقبه و رضا دانسته و به تعریف و تبیین آنها و دفاع از ده‌گانه بودنشان پرداخته است. ضیاء‌الدین نخشی (متوفی ۷۵۱ق) نیز شمار مقامات را، از قول مشایخ طریقت، صد مرتبه ذکر کرده است (نخشی، ص ۷).

در بین مقامات، توبه منزلی مهم دارد. بیشترین صوفیان همچون ابونصر سراج، محمد غزالی (ج ۲، ص ۳۱۷)، هجویری\*، نجم‌الدین کبری\* و عزالدین محمود کاشانی\* آن را نخستین منزل سلوک در نظر گرفته‌اند. شهاب‌الدین سهروردی (ص ۴۷۵-۴۷۶) توبه را اصل تمام مقامات و کلید همه احوال و نخستین مقام سالک می‌داند و می‌گوید هر که توبه نداشته باشد حال و مقامی نخواهد داشت. خواجه عبدالله انصاری (ص ۲۵) «یقله» و ابونجیب سهروردی (ص ۷۶) و ابوالمفاخر یحیی باخرزی (ص ۵۱) «انتباه» را، پیش از توبه، اولین مقام سلوک خوانده‌اند. ابوسعید ابوالخیر اولین مقام بندگان را «ادای حقوق خلق» می‌داند (نک: جمال‌الدین ابوروح، ص ۱۳۰) که از نگرش اجتماعی او حکایت دارد.

گروهی از صوفیان موضوع مقامات را با پیامبران پیوند داده‌اند. ابوسعید ابوالخیر (همان‌جا) از آن جمله است. هجویری در کشف‌المحجوب (ص ۵۴۴) برای هریک از انبیا مقامی برشمرده و مقام آدم را توبه، مقام نوح\* را زهد، مقام ابراهیم را تسلیم، مقام موسی را انابت، مقام داوود\* را حزن، مقام عیسی را رجاء، مقام یحیی\* را خوف و مقام محمد (ص) را ذکر دانسته است. علاء‌الدوله سمنانی\* نیز مقامات را با تعبیر هفت نبی درون انسان (انبیاء سبعه) تبیین می‌کند. از نظر او، هریک از آنها معادل یکی از احوال و فضایل باطنی آدمی‌اند و نوری خاص، بیانگر مقام سالک، دارد که سالک باید نسبت بدان دقت و مراقبت ویژه داشته باشد. هریک از این لطایف سبعه (قالبی، نفسی، قلبی، سری، روحی، خفی، و حقی) در وجود انسان - که عالم صغیر محسوب می‌شود - حکم وجود انبیا در عالم کبیر را دارد و حاکی از صورتی روحانی و در مقام و مرتبه پیامبری است که مظهر آن لطیفه در عالم کبیر است (علاء‌الدوله سمنانی، مصنفات فارسی،

را هفت مرحله (از قبیل: توبه، زهد، عداوت نفس، محبت، قطع هوی، خشیت و قربت) دانسته و هر وادی را «منزل» نامیده است (ترمذی، منازل‌العباد من العباد: ص ۳۵-۸۹). این تقسیم‌بندی با تقدس عدد هفت در ایران باستان و نیز اسلام ارتباط دارد. البته در جایی دیگر، منازل سلوک را دویست و چهل و هشت هزار معرفی کرده است (همو، ختم‌الأولیاء، ص ۱۴۲). پس از ترمذی کسانی این مراحل را چهل، صد، هزار و هزارویک برشمرده‌اند. ابونصر سراج نیز تعداد مقامات را به هفت (توبه، ورع، زهد، فقر، صبر، توکل و رضا) و شمار احوال را به ده (مراقبه، قرب، محبت، خوف، رجاء، شوق، انس، اطمینان، مشاهده و یقین) رسانده است (ابونصر سراج، ص ۶۶). به نظر می‌رسد دسته‌بندی سراج سرمشق برخی از نویسندگان بعدی متون عرفانی در طبقه‌بندی مقامات و احوال بوده است و بسیاری از صوفیان، به پیروی از او، سلوک را شامل هفت مرحله اساسی برشمرده‌اند.

گزارش ابوسعید ابوالخیر\* نیز از کهن‌ترین گزارشها در باب مقامات تصوف است که می‌گوید مشایخ صوفی در طریق سلوک هزارویک مقام تعیین کرده‌اند (محمد بن منور، ص ۵۴). مؤلف رساله‌مقامات اربعین شیخ ابوسعید، سلوک را دارای چهل مقام می‌داند که با «نیت» آغاز می‌شود و به «تصوف» پایان می‌یابد و هر مقام به یکی از پیامبران از آدم (ع) تا محمد\* (ص) اختصاص دارد (نک: «مقامات اربعین شیخ ابوسعید»، ص ۶۲-۵۹). احمد غزالی\* (متوفی ۵۲۰ق) در رساله‌بحر الحقیقه (ص ۴) سیر و سلوک را به سفری دریایی تشبیه کرده است که سالک باید از بر و متعلقات آن قطع نظر کند، وارد بحر شود و برای وصول به مقصود و رسیدن به فنا هفت بحر معرفت، جلال، وحدانیت، ربوبیت، الوهیت، جمال و مشاهده را درنورد.

در میان صوفیه، خواجه عبدالله انصاری\* مفصل‌تر از همه مراتب سلوک را دسته‌بندی کرده و سه اثر خود به نامهای منازل السائرین\*، صد میدان\* و علل‌المقامات را به این موضوع اختصاص داده است. روزبهان بقلی شیرازی\* (متوفی ۶۰۶ق) هم با استناد به روایتی از خضر، سلوک را شامل هزار مقام دانسته است. روزبهان این مقامات را طی بیست باب شرح داده و در هر باب پنجاه مقام از هر طایفه‌ای از بزرگان طریقت را تبیین کرده است. به گفته روزبهان، برخی از صوفیان این هزار مقام را به نامهای دیگری خوانده‌اند؛ برای مثال، ذوالنون مصری آنها را هزار علم، و جنید بغدادی هزار قصر نامیده است (نک: روزبهان بقلی شیرازی، مشرب الأرواح، ص ۴۳-۴۴). بعضی نیز از هزار مقام از نور و ظلمت بین خدا و بنده یاد کرده‌اند (نک: ابوریحان بیرونی، ص ۶۵).

معنوی، حال را جلوه‌ای عمومی می‌داند که همه کس ممکن است از آن برخوردار شود. به همین دلیل، آن را به عروسی تشبیه می‌کند که بر خاص و عام جلوه‌گر می‌شود، ولی مقام را از آن خاصان می‌داند و تا بنده‌ای به سلک صوفیان درنیاید و دست ارادت به پیری راه‌شناس ندهد جلوه‌های مقام و چگونگی آن را درک نخواهد کرد. از نظر او، صوفی اهل مقام برتر از صوفی اهل حال است، چون حال به سان زیبارویی است که مبتدی و غیر مبتدی از آن بهره‌مند توانند شد، اما مقام نصیب کسانی می‌شود که وارد طریق مجاهده و ریاضت و طیّ عقبات دشوار سلوک شده باشند. از این جهت، صوفی اهل حال بسیار است و صوفی اهل مقام اندک (جلال‌الدین بلخی، ج ۱، دفتر اول، ص ۸۸).

عزالدین محمود کاشانی منشأ اختلاف اقوال مشایخ در احوال و مقامات را برخاسته از این می‌داند که یک چیز را بعضی حال می‌خوانند و بعضی مقام، زیرا همه مقامات در بدایت، احوال‌اند و در نهایت بدل به مقام می‌شوند (عزالدین محمود کاشانی، ص ۱۲۵؛ نیز نک: نخشی، ص ۷۶). نجم‌الدین کبری تفاوت حال و مقام را این‌گونه بیان کرده است: حال توشه و آشامیدنی و مرکبی است که رونده را تقویت می‌کند و او را در سفر معنوی یاری می‌دهد تا به مطلوب کلی خود برسد و سفر بدون استطاعت حرام است. مقام برای فرود آمدن و استراحت از رنج سفر است. پس حال مانند اسباب سفر و مقام مانند منزل‌هایی است که در راه‌ها تعبیه کرده‌اند یا اینکه حال همچون دو بال برای پرنده است و مقام آشیانه اوست (نجم‌الدین کبری، فوائح الجمال و فوائح الجلال، ص ۱۴۸-۱۵۰). بر مبنای این توضیح می‌توان گفت که از دیدگاه او احوال باید دوام یابد و زایل نشود. با این همه، شماری از احوال تبدیل به مقام می‌شوند و برخی دیگر نه (نک: سهروردی، شهاب‌الدین، ص ۴۷۳).

با وجود این تفاوتها، اگر به قول عزالدین محمود کاشانی (ص ۱۲۵) استناد کنیم، سالک همیشه از احوال به مقامات می‌رسد، یعنی نخست حالتی براو عارض می‌شود و کم‌کم دوام و ثبوت می‌یابد و در آن دوام و ثبوت استقامتی خاص به دست می‌آورد که مقام نامیده می‌شود. همچنین حال و مقام با یکدیگر مقارنت دارند، زیرا هیچ مقامی از مداخله حالی خالی نیست و هیچ حالی هم از مقاربت مقامی جدا نیست.

نکته دیگری که در متون صوفیه آمده آن است که برای رسیدن به کمال تجرید باید سرّ فرد از مقامات و احوال مجرّد شود، یعنی اگر در تجرید حالی جلیل یا مقامی قریب برای صوفی پدید آید، به آن اعتماد نکند و با خود چنین نپندارد که قرب یافته یا بزرگ شده، زیرا بزرگی آن است که خود را کمترین همه عالم بداند (مستملی بخاری، ج ۴، ص ۱۴۲۷؛ همچنان‌که

ص ۲۶۹-۲۷۲). محتمل است که بسیاری از این مقامات به علت جذبه و کشش خاصشان سالک را چنان مجذوب و سرخوش کنند که دیگر میل به ترقی از او منقطع شود و از سیر و پیشرفت در طریقت بازماند و به مدارج بالاتر سلوک دست نیابد. توقف در یک مقام برای سالک در حکم نیستی و مرگ است و تعلّقات دام راه اوست. پس سالک به هر مقامی که رسید باید مقام مادون را فراموش و سعی کند زودتر به مقامی بالاتر برسد؛ از این‌رو، اهمیت طیّ مقامات در سلوک تا بدان‌جاست که اگر فرد از همه مقامات عبور نکند و هر مقامی را چنان‌که حقّ آن است تصحیح نکند شایسته ارشاد و دستگیری نخواهد بود (همان، ص ۲۷۲). علاء‌الدوله سمنانی، در رساله تبیین المقامات و تعیین الدرجات، نظام تازه‌ای از مقامات عرضه کرده است که بر اساس آن، تعداد مقامات صد است، اما سالکان که به چهار دسته مبتدی، متوسط، منتهی و قطب تقسیم می‌شوند، این مقامها را متناسب با وضعیت خاصّ خودشان طی می‌کنند (علاء‌الدوله سمنانی، تبیین المقامات و تعیین الدرجات، ص ۵۳).

نسبت و تفاوت مقامات و احوال. بعضی از صوفیان بین مقامات و احوال تمایز چندانی قائل نشده‌اند، اما در اغلب تعاریف به تفاوت‌های این دو اصطلاح اشاره شده است؛ برای مثال، از دیدگاه قشیری، احوال از زمره مواهب و فضل الهی است، اما مقامات از جمله مکاسب است؛ یعنی احوال از خود نفس می‌آید و مقامات با کوشش حاصل می‌شود. به علاوه، صاحب مقام در مقام خود ثابت و اهل تمکین است، ولی صاحب حال از حال خود ترقی می‌کند (ابوالقاسم قشیری، نحو القلوب، ص ۳۵۹؛ همو، الرسالة القشیریّة، ص ۵۷). به گفته هجویری، مقام عبارت است از «راه طالب و قدمگاه وی اندر محلّ اجتهاد و درجت وی به مقدار اکتسابش اندر حضرت حقّ تعالی»، ولی حال عبارت است از فضل خداوند و لطف وی به دل بنده بدون مجاهدت او، زیرا مقام از جمله اعمال است و حال در زمره افضال. به تعبیر دیگر، هجویری نیز همچون قشیری بر آن است که مقام از جمله مکاسب است و حال از جمله مواهب؛ از این‌رو، صاحب مقام به مجاهده خود قائم است، حال آنکه صاحب حال از خود فانی و قیام او به حالی است که حقّ در او می‌آفریند (هجویری، ص ۲۷۵). از نظر شهاب‌الدین سهروردی، مهم‌ترین تفاوت بین حال و مقام این است که در مقامات کسب و کوشش آشکار است و موهبت پنهان، اما در احوال موهبت آشکار است و کسب و کوشش پنهان. حال در مقادورات کسب سالک نیست، زیرا از جانب خداوند نازل می‌شود. احوال مواجیدند، ولی مقامات راه‌ها و طرق رسیدن به مواجید (سهروردی، شهاب‌الدین، ص ۴۷۰). مولانا جلال‌الدین بلخی\* در مثنوی

آداب المریدین، به کوشش نجیب مایل هروی، تهران، ۱۳۶۳ش؛ شقیق بلخی، ابو عبدالله، «آداب العبادات»، به کوشش یل نوپا، ترجمه نصرالله پورجوادی، مجله معارف، س ۴، ش ۱، تهران، فروردین-تیر ۱۳۶۶ش؛ عبّادی، قطب الدّین اردشیر بن منصور، التّصفیه فی احوال المتصوّفه، به کوشش غلامحسین یوسفی، تهران، ۱۳۴۷ش؛ عزّالدّین محمود کاشانی، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، به کوشش جلال الدّین همایی، تهران، ۱۳۲۵ش؛ علاءالدوله سمنانی، احمد بن محمد، مصنّفات فارسی، به کوشش نجیب مایل هروی، ۱۳۶۹ش؛ همو، تبیین المقامات و تعیین الدّرجات، به کوشش اکبر راشدی نیا، تهران، ۱۳۹۶ش؛ غزّالی، احمد بن محمد، بحر الحقیقه، به کوشش نصرالله پورجوادی، تهران، ۱۳۵۶ش؛ غزّالی، محدّین محمد، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیو جم، تهران، ۱۳۶۱ش؛ کاشانی، کمال الدّین عبدالرزّاق، اصطلاحات الصّوفیه، ترجمه و شرح محمدعلی مودود لاری، به کوشش گل بابا سعیدی، تهران، ۱۳۷۶ش؛ کلایذی، ابوبکر محمد، التّعرف لمذهب اهل التّصوف، به کوشش یوحنا حبیب صادر، بیروت، ۱۴۲۲ق / ۲۰۰۱م؛ لاهیجی، شمس الدّین محمد، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، به کوشش محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرپاسی، تهران، ۱۳۷۱ش؛ مجموعه آثار ابو عبد الرحمن سلمی، به کوشش نصرالله پورجوادی، تهران، ۱۳۶۹ش؛ محدّین منور، اسرار التّوحید فی مقامات الشّیخ ابی سعید، به کوشش محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، ۱۳۶۶ش؛ مستملی بخاری، اسماعیل، شرح التّعرف لمذهب التّصوّف، به کوشش محدّ روشن، تهران، ۱۳۶۳ش؛ مشهدی نوش آبادی، محدّ، «نخستین تبیین احوال و مقامات عرفانی در مناجات خمس عشره»، مطالعات عرفانی، ش ۲۲، کاشان، پاییز-زمستان ۱۳۹۴ش؛ «مقامات اربعین شیخ یوسعید»، به کوشش محدّ دامادی، مجله معارف اسلامی (سازمان اوقاف)، ش ۱۲، تهران، فروردین ۱۳۵۰ش؛ نجم الدّین کبری، احمد بن عمر، الاصول العشره، شرح عبدالغفور لاری، به کوشش نجیب مایل هروی، تهران، ۱۳۹۳ش؛ همو، فوائج الجمال و فوائج الجلال، ترجمه محمّدباقر ساعدی خراسانی، به کوشش حسین حیدرخانی، تهران، ۱۳۶۸ش؛ نخشبی، ضیاء الدّین، سلبک السّلوک، به کوشش غلامعلی آریا، تهران، ۱۳۶۹ش؛ نوپا، پل، تفسیر قرآنی و زبان عرفانی، ترجمه اسماعیل سعادت، تهران، ۱۳۷۳ش؛ همو، «تفسیر عرفانی منسوب به امام جعفر صادق (ع)»، نک: مجموعه آثار ابو عبد الرحمن سلمی؛ هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان، کشف المحجوب، به کوشش محمود عابدی، تهران، ۱۳۸۴ش.

سیّده فاطمه زارع حسینی

### مکینزی، دیوید نیل<sup>۱</sup>. زبان شناس و ایران شناس نامدار

بریتانیایی، متخصص زبانهای ایرانی، به ویژه فارسی میانه (پهلوی\*)، سغدی\*، خوارزمی\*، کردی و پشتو. او در هشتم آوریل ۱۹۲۶م در لندن متولد شد. چون با پدرش هم نام بود، نام نیل را به اسم کوچکش افزود و به این نام جدید شهرت یافت.

جنید گفته است که بنده تا از احوال و مقامات نگذرد، به حقیقت معرفت و صفای توحید نخواهد رسید (به نقل از ابونصر سراج، ص ۴۹-۵۰). پس سالک باید از نظر کردن به مقامات و احوال توبه کند؛ چنان که مقامات پیامبر اکرم (ص) هر دم در ترقی بود، اما چون به مقام برتر می رسید از مقام فروتر استغفار می کرد و از دیدن آن توبه می کرد (هجویری، ص ۴۳۴).

باید به یاد داشت که در مکتب ابن عربی، بحث مقامات و احوال با مبحث ولایت پیوند دارد و خاتم ولایت محدّیه و وارث مقامات و احوال و حقایق او سرآمد اولیاء و نزدیک ترین مردمان به خاتم الانبیاء است.

**منابع:** علاوه بر قرآن کریم، آملی، شمس الدّین محدّ بن محمود، نفائس الفنون فی عرایس العیون، به کوشش سیّد ابراهیم میانجی، تهران، ۱۳۷۹ق؛ ابن عربی، محیی الدّین، الفتوحات المکّیه، بیروت، بی تا؛ ابن منظور، جمال الدّین محمد، لسان العرب، بیروت، بی تا؛ اوریحان بیرونی، محدّین احمد، تحقیق ماللهند، به کوشش احمد آرام، بیروت، ۱۴۰۳ق؛ ابوطالب مکی، محدّین علی، قوت القلوب فی معامله المحبوب، به کوشش محمود ابراهیم محدّ الرضوانی، قاهره، ۱۴۲۲ق / ۲۰۰۱م؛ ابوالقاسم قشیری، عبدالکریم بن هوازن، الرّسالة القشیریة فی علم التّصوّف، به کوشش معروف مصطفی زریق، بیروت، ۱۴۲۶ق / ۲۰۰۵م؛ همو، نحو القلوب الکبیر، به کوشش ابراهیم بسیونی و احمد علم الدّین الجندی، قاهره، ۲۰۰۸م؛ ابونصر سراج، عبدالله بن علی، اللّمع فی التّصوّف، به کوشش عبدالحلیم محمود و عبدالباقی سرور، بغداد، ۱۳۸۰ق / ۱۹۶۰م؛ ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، حلیه الأولیاء و طبقات الاصفیاء، قاهره، ۱۳۵۷ق / ۱۹۳۸م؛ باخرزی، ابوالمفاخر یحیی، اوراد الاحباب، به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۵۸ش؛ ترمذی، محدّین علی، ختم الأولیاء، به کوشش عثمان اسماعیل یحیی، بیروت، ۱۴۲۲ق / ۲۰۰۱م؛ همو، منازل العباد من العبادۀ او منازل القاصدین الی الله، به کوشش محدّ ابراهیم الجیوشی، مصر، ۱۳۹۴ق / ۱۹۷۴م؛ تهاوی، محدّاعلی بن علی، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت، بی تا؛ جرجانی، علی بن محدّ، التّعریفات، به کوشش محدّین عبدالحکیم القاضی، قاهره و بیروت، ۱۴۱۱ق / ۱۹۹۱م؛ جلال الدّین محدّ بلخی، مثنوی معنوی، به کوشش رینولد آلن نیکلسون، تهران، ۱۳۷۵ش؛ جمال الدّین ابوروح، لطف الله بن ابی سعد، حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر، به کوشش محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، ۱۳۸۴ش؛ حارث محاسبی، الوصایا، به کوشش عبدالقادر عطا، بیروت، ۱۹۸۶م؛ خواجه عبدالله انصاری، منازل السائرین، به کوشش عبدالغفور روان فرهادی، تهران، ۱۳۵۰ش؛ روزبهان بقلی شیرازی، شرح شطحیات، به کوشش هانری کرین تهران، ۱۳۷۴ش؛ همو، مشرب الارواح، ترجمه و شرح قاسم میرآخوری، تهران، ۱۳۸۹ش؛ سعدی، مصلح الدّین، گلستان، به کوشش غلامحسین یوسفی، تهران، ۱۳۸۷ش؛ سهروردی، شهاب الدّین عمر، عوارف المعارف، بیروت، ۱۹۶۶م؛ سهروردی، ضیاء الدّین ابونجیب،